



ترانه‌ای برای صلیب سرخ

محمود درویش - شاعر فلسطینی

ترجمه: علیرضا نوری زاده

آیا برای همه مردم در همه سوی عالم
نان و آسایش و سرودهای وطنی
مهیاست؟
پدر!
چرا ما باید شاخه‌های درختان را
بخوریم
و شعرهای حماسی بخوانیم؟
پدر!
ما به خوبی و سلامتی سر می‌کنیم
در سایه‌ی حمایت صلیب سرخ!
وقتی کاسه‌های طعام را مقابل ما پرتاب
می‌کنند
ماه، در چشم من بی رنگ شده است
پدر!

چرا
مذهب و آزادی مرا فروختی
با جوانی که از ترس، چهره‌شان پریده
رنگ است
در مقابل حمایت صلیب سرخ!
پدر!
اگر باران ببارد، آیا میوه‌ی زیتون
برای ما کافی است
آیا شاخه‌های درختان از آتش برای ما
ترانه‌ای خواهند خواند!
آیا نور ماه برف‌ها را آب خواهد کرد؟
یا سایه‌های وهم انگیز شبان را به آتش
خواهد کشید؟
من، هزاران هزار سوال دارم

و در چشم‌های تو سکوت سنگ‌ها را
می‌بینم

جوابم ده پدر، تو پدر منی
آیا پدر من جایش را با صلیب سرخ
عوض کرده است؟

پدر!

آیا گل‌ها در سایه ی صلیب می‌رویند؟

آیا بلبل خواهد خواند

چرا خانه ی کوچک مرا بمباران

کردند

پدر!

چرا وقتی تاریکی می‌آید خورشید را

آرزو می‌کنم

بسیارند آنان که مرا می‌خوانند

و من

آرزوی شیرینی و شکلاتی را دارم

مرا از رودخانه بر حذر داشته اند

آرزو، نام همدم من است و مژگانم

غبار نشین شده است

تکه چوبی را که سهم من بود، گرفتند

و سنگین ترین بارها را بر دوش

پدرم نهادند

مقرر کردند ک یک سال «شب» را

به دوش بکشم

آه ... چه کسی آتش را شعله ور

خواهد کرد

چه کسی نغمه ی کیبوتران را

از من دریغ داشت در سایه ی پرچم

صلیب سرخ؟

تلگرام به تل زعتر

معین بسیسو - شاعر فلسطینی

ترجمه موسی بیدج

تل زعتر!

دیوار تو روزنامه شاعران است

نارنجک دست تو

به شعر منفجر می‌شود

و گیسوان تمام زنان زمین

آرزو می‌کنند

که پرچم تو باشند

تل زعتر!

تمام چشمه‌ها و درختان فلسطین

گیسو بند زنان توست

شریان ژنرال‌هایی که

بر نقشه‌های جنگی شان خم شده اند

بندهای کفش توست



خواب می‌بینند که مین‌های خاک تو شده اند

تل زعتر!

ای زخمی که می‌گسترده و به وطنی بزرگ

بدل می‌شود

برای تاکستان‌های ستیغ «کرمل»

بسیار آواز خوانده ام

برای زیتون زاران کوه «قسطل»

بسیار سروده ام

و تو را بر دوش کشیده ام

غزه!